

# یغما

شماره ششم

شهر یور ۱۳۲۸

سال دوم

مجتبی مینوی ، لندن

## ترجمه تفسیر طبری

مژده انتشار چاپ عکسی ترجمه تفسیر طبری کتابخانه سلطنتی ، باعث و محرك بنده بر این شد که بعد از بیست و دو سال مقاله دیگری در باب ابن کتاب بنویسم و بعضی از غلط های مشهور اشاره ای بکنم .

☆☆☆

آن منصور بن نوح سامانی که تفسیر طبری برای او ترجمه گردید در ابتدای سال ۳۵۰ هجری بجای برادر خود عبدالملک بن نوح پادشاه شد و وفات او بقول صاحب تاریخ بخارا در محرم سال ۳۶۵ ، و بقول صاحب زین الاخبار در شوال ۳۶۵ ، و بقول ابن الاثیر در شوال ۳۶۶ بود .

ابوعلی محمد بن محمد بلعمی در حدود ۳۴۷ یا ۳۴۸ بوزارت عبدالملک بن نوح منصوب گردید ، و منصور آن منصب را بر او باقی گذاشت . وفات بلعمی را گردیزی در سال ۳۶۳ مینویسد ولی عجب اینست که عتبی در تاریخ یمنی میگوید که امیر رضی ابوالقاسم نوح بن منصور بن نوح وزارت خود را با او واگذار کرد و چون از عهده کفایت

امور بر نیامد عبدالله بن عزیر را از خوارزم خواست و وزارت خود را بدو داد، و این ابن عزیر در سال ۳۸۲ بوزارت رسید، اما منصب وزارت نوح قبل از آمدن ابن عزیر با بلعمی نبود، و گویا عتبی را در این موضع (ص ۱۷۰ از شرح یمینی چاپ قاهره) اشتباهی دست داده باشد. سال ۳۸۶ که برای وفات عتبی در مقالات مرحوم علامه قزوینی آمده و از آنجا بمقالات فضلی ایران سرایت کرده است مسلماً درست نیست، و از اشتباه چارلز ریو مستشرق انگلیسی ناشی شده است که در یک متن عربی (ملقطات و مستخرجات از نسخ خطی کتابخانه سلطنتی فرانسه، جلد چهارم. ص ۳۶۳) وفات ابوعلی نامی را در سال ۳۸۶ دیده است و آن ابوعلی را که سیمجوری بوده است با بلعمی اشتباه کرده است (رجوع شود به ترکستان بارتلد، ترجمه انگلیسی، ص ۱۰ حاشیه ۱). مرحوم علامه قزوینی این تاریخ را از روی کتاب ریو نقل کرده بودند و با اعتماد صحت قول او بآنچه اصلی رجوع نکرده بودند.

بهر حال این بلعمی وزیر گویا ارتباطی با ترجمه تفسیر نداشته است غیر از اینکه کار در زمان وزارت او انجام یافته است، و جز مرحوم علامه قزوینی که در مجله ایرانشهر ترجمه تفسیر طبری را نیز باین ابوعلی بلعمی نسبت داده بودند دیگری ظاهراً چنین چیزی نگفته باشد مگر اینکه از مرحوم قزوینی نقل کرده باشد. و بنده در ۱۳۰۶ در مجله تقدم که آقایان فرامرزی (احمد و عبدالرحمن) ناشر آن بودند مقاله ای در خصوص همین نسخه شش جلدی تفسیر طبری که در آن سال از اردبیل آورده بودند منتشر کردم (ص ۵۶ تا ۶۰ و ص ۱۰۵ تا ۱۰۷ آن مجله دیده شود) و هر چند برخی از اشتباهات را که بآنها در این مقاله اشاره میشود تکرار کردم این نکته را جمع ببلعمی را اصلاح نمودم و در چاپ دوم مقاله مرحوم علامه قزوینی (بیست مقاله چاپ آقای پور داود ص ۴۹) این خطا پوشیده شده است. و اما نسخ خطی این تفسیر فارسی:

### ۱- نسخه کامل یا قریب بکمال

علامه فقیه مرحوم قزوینی در مقاله ای که از برای مجله ایرانشهر نوشته بودند درباره نسخه تفسیری که در موزه بریتانیاست سهو کرده اند که آن را ناقص و عبارت از

جلد اول تنها خوانده‌اند، و این از آن خطاهای حس باصره است که از برای همه کس ممکنست اتفاق افتد.

بهر حال بنده شخصاً این ترجمه تفسیر را که در آن موزه است دیده‌ام و از آن فصولی نقل کرده‌ام و شما هم میتوانید بفهرست کتابهای عربی خطی و کتابهای فارسی خطی آن موزه رجوع کنید و ببینید، و همچنین بکتاب «ادبیات ایران» تألیف پروفیسور استوری نگاه کنید و خاطر جمع شوید، و حتی اگر میل دارید پولش را بفروستید از روی نسخه برای شما عکس بردارند تا دیگر هیچ شکلی نداشته باشید که نسخه بنشان Add. 7601 که دارای ۳۵۸ ورق است مشتمل است بر تمام ترجمه تفسیر طبری از سوره فاتحه تا سوره ناس. و سوره مائده که مرحوم قزوینی آن را انتهای نسخه دانسته‌اند در ورق ۹۴ ختم میشود. بلی نقصی دارد، ولی از این حیث که در دو نلث اخیر کتاب متن آیات سوره‌ها و ترجمه بین السطور را دیگر ننوشته‌اند و جای آنها سفید مانده است، و نیز کاتب نسخه گاهی الفاظ و جملی را بقصد اختصار انداخته است، و بقاعده کلیه نسخ خطی فارسی که هیچ دو تائی از یک کتاب معین را نمیتوان یافت که کاملاً باهم مطابق باشند، این نسخه بانسخ دیگری که بنده دیده‌ام اختلافات زیاد دارد. تاریخ این نسخه ۸۸۳ هست ولیکن اصیل نیست یعنی بعدها الحاق کرده‌اند، معیناً نسخه باید بهمان قدمت یعنی از قرن نهم باشد. چون نسخه اردبیل جلد چهارم را ندارد برای تکمیل کتاب حتماً باید آن مقداری از این نسخه موزه بریتانیا را که محتوی بر سبع چهارم یعنی از نیمه سوره ابراهیم تا نیمه سوره مؤمنون است عکس برداشت و بآن ضمیمه کرد.

#### ۴ - نسخه قریب بکمال

طرز تجلید نسخه‌های این ترجمه بر حسب سلیقه اشخاص و قطع کاغذ تفاوت میکرده است. نسخه موزه بریتانیا که وصف کردم در یک مجلد است. نسخه اردبیل که از حیث قریب بودن بکمال و قدیم بودن بر نسخه موزه مذکور ترجیح دارد سابقاً در مجله تقدم، و اخیراً در مجله یغماتوصیف شده است، و دوست دانشمند ما آقای دکتر

مهدی بیانی هم در نمونه سخن فارسی وصفی از آن کرده و مقداری از آن نقل کرده است. محتاج بتکرار نیست که نسخه اردبیل را در هفت مجلد جلد کرده بوده اند که هر جلدی حاوی یک سبع قرآن یعنی چهار جزو و دو سبع جزء باشد، و جلد چهارم آن مفقود شده است. اما چنانکه گفته شد نقص آن را میتوان از روی نسخه موزه بریتانیا برطرف کرد، و نسخه کاملی برای چاپ حروفی (علاوه بر چاپ عکسی) تهیه نمود.

### ۳ - نسخه ای از سبع اول

دوره کامل یسا نزدیک بکامل دیگری چه در اروپا و چه در نقاط دیگر عالم که فهرست کتابخانه هاشان بطبع رسیده است بنده سراغ ندارم، و قول آقای نفیسی باینکه نسخه کاملی در هندوستان هست محتاج بسند است. از سبع اول کتاب نسخه ای در پاریس است که وصف آن در فهرست آن کتابخانه بقلم بلوشه و در مقدمه مرزبان نامه چاپ مرحوم قزوینی در مقاله سابق الذکر آن مرحوم آمده است و صدیق ارجمندم یغمائی نیز در مقاله خود وصف مختصری از آن داده است.

### ۴ - نسخه دیگری از سبع اول

نذیر احمد نامی در ۱۹۱۸ در مجله انجمن آسیائی بنگاله مقاله ای درباره بعضی از نسخه های خطی که در کتابخانه های مختلف هندوستان محفوظست منتشر کرد. در آن مقاله شماره ۱۱ وصف نسخه ای از جلد اول این تفسیر است که مشتمل است بر مقدمه و تفسیر از ابتدا تا آیه شصت و ششم سوره نسا، (تقریباً عین نسخه پاریس) و بخط ثلث و تعلیق نوشته شده و تاریخ ندارد، اما ظاهر آدر حدود ششصد هجری کتابت شده و این نسخه در کتابخانه رامپور است.

### ۵ - نسخه ای از سبع پنجم

این نسخه در کتابخانه مشهد است و آقای اوکتائی و آقای یغمائی وصفی از آن نموده اند، و مشتمل است بر تفسیر از آیه ۵۸ سوره المؤمنون تا آیه ۱۹ از ورة سبأ.

### ۶ - نسخه ای از نصف کتاب

ایوانف در فهرست نسخ فارسی خطی که در انجمن آسیائی بنگاله محفوظ است

نسخه ای را وصف میکند که مشتمل است بر تفصیل از سوره دوم (بقره) تا سوره هجدهم (کهف) و می گوید که نسخه در اواخر قرن هفتم یا اوایل قرن هشتم کتابت شده است. سوره کهف متعلق بجزء پانزدهم قرآن است و معمولاً در تفسیرهای دو جلدی جلد اول را باین سوره ختم میکنند. برای رفع مقداری از نقص نسخه اردبیل از این نسخه نیز میتوان استفاده کرد.

#### ۷- نسخه ای از نیم سبع اول

اگر در عبارت مقدمه این ترجمه تفسیر طبری دقت کنید می بینید که مؤلفین آن اساساً کتاب را در چهارده مجلد ترتیب داده بوده اند که هر مجلدی نیم سبع یا دو جزو از قرآن را شامل بوده است. و من دو نسخه دیده ام که بر طبق تقسیم اصلی کتاب تحریر شده است، و هر دو متعلق بکتابخانه مرحوم میرزا حسین خان آزاد طیب ظل السلطان بوده است که شرح حال او را مرحوم قزوینی در جزء و فیات معاصرین در مجله یادگار (سال سوم شماره چهارم) نوشته اند. در سال ۱۳۳۷ یعنی يك سالی پس از فوت آزاد متجاوز از هفتصد نسخه خطی عربی و فارسی که مال او بوده است بلندن آورده شد و توسط Sotheby (نه کواریچ که مرحوم قزوینی نوشته اند) بهراج فروخته شد، و بنده متصدی فهرست کردن آن نسخ بودم و مقدمه این جلد را برای خود نسخه برداشتم. تاریخ کتابت آن نسخه شعبان ۶۳۲ بود، و یکی از اغنیای انگلستان آن را خریده است.

#### ۸- نسخه ای از نیم سبع دهم

این نسخه نیز در همان حدود ۶۳۲ کتابت شده و بهمان مرحوم آزاد تعلق داشته و حالاً در کتابخانه مستر چستریتی است که از اغنیای انگلیس و صاحب مجموعه بسیار گرانبهائی از کتب خطی عربی و فارسی است. این نسخه مثل نسخه شماره ۶ و نسخه متعلق بکتابخانه ملی پاریس بسیار نفیس و خوبست، و مشتمل است بر تفسیر از آیه ۱۴۱ سوره شعراء تا آیه نهم از سوره احزاب، و مطابق است با نیمه دوم از جلد پنجم نسخه اردبیل، و نسخه مشهد نیز تمام این مجلد را در بردارد.



بروکلن در تاریخ ادبیات عربی ( ج اول ص ۱۴۳ و ذیل بر جلد اول ص ۲۱۸ ) اشاره باین ترجمه میکند، و از جمله مأخذی که او نشان میدهد مقاله ایست بقلم مستشرق روسی راه-اسکوویچ در Zaqisky جلد پنجم ( سال ۱۹۳۰ ) ولی من باین مقاله دسترس نیافتم تا بدانم آیا او هم نسخه ای را وصف کرده یا فقط تحقیق و بحثی کرده است .

هر وقت مصمم شدید که این کتاب را چنانکه باید و شاید بطبع برسانید و یکی از کاخهای باستانی زبان فارسی را از انقراض محفوظ دارید حق آنست که از تمامی این نسخ استفاده کنید .

اگر کاری سزاوار کردن باشد بآن مبارزده که آن را خوب بکنند .

لندن، ۳ شهریور ماه، مجتبی مینوی

ابوالحسن یغما جندقی

### کلبه مخروب...

نوح در او غیر غرق چاره ندارد	بجر غم عاشقی کناره ندارد
شیشه ما تاب سنگ خاره ندارد	بر دل دیگر بامتحان دل خود زن
کار باین خوبی استخاره ندارد	خیز و تغال مزن بیاده گساری
ماه پس ابر پاره پاره ندارد	جلوه رویت ز حلقه حلقه موبت
هیچ غم از گردش ستاره ندارد	هر که در افتد بدور جام هلالی
حور باین شکل و این قواره ندارد	شیخ عبث جان مکن که حجله مینو
کلبه مخروب ما اجاره ندارد	در عوض دل زدوست هیچ نخواهم
عرش برینی که گوشواره ندارد	خاک درت چیست بی لالی اشکم
هر که چو یغما بدرد هجر تو جان داد	
آرزوی زندگی دوباره ندارد	